

# همدمی

گاهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

مهر ۱۴۰۳ شماره ۵۰



آینده دق

معمای دانشکده های در حال ساخت

## آغاز نصرالله

طلای ناب هوش سیاسی در مقاومت

نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ

از قاسم

مفجزه حضور بانوان در مسابقات جهانی

صدای پای دانشجو

در انتصابات دخالت نکنید

## فهرست مطالب

- از قاسم..... ۶
- آغاز نصرالله..... ۸
- معجزه حضور بانوان در مسابقات جهانی..... ۱۰
- صدای پای دانشجو..... ۱۲
- آینه دق..... ۱۴
- در انتصابات دخالت نکنید..... ۱۶
- مسابقه..... ۱۸
- راه‌های ارتباطی..... ۱۹

## گاهنامه همدم



**صاحب امتیاز:** دفتر نهاد مقام معظم رهبری دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

**مدیر مسئول:** امیررضا الهی

**سرمدیر:** فاطمه قربانی زاده

**هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:**

سمانه افشاری - امیررضا الهی - سهیلا پیاب - امیدرضا توفیقی - فرزانه حسینی - سینا شهبازی

- فاطمه قربانی زاده - نگار کریمی

**طراحی و صفحه آرایی:** امیدرضا توفیقی

**مدیریت صفحه اجتماعی:** محمد جواد روشناس

گاهنامه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی مهر ۱۴۰۳ شماره ۵۰

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

دانشگاه علوم پزشکی یاسوج



دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

## سخن سردبیر



محمود دولت آبادی توی کتاب ((روزگار سپری شده مردم سالخورده)) میگوید:  
آن جا یک قهوه خانه بود....

اما ننشستیم به نوشیدن دو تا استکان چای. چرا؟  
دنیا خراب می شد اگر دقایقی آن جا مینشستیم و نفری یک استکان چای  
میخوردیم؟

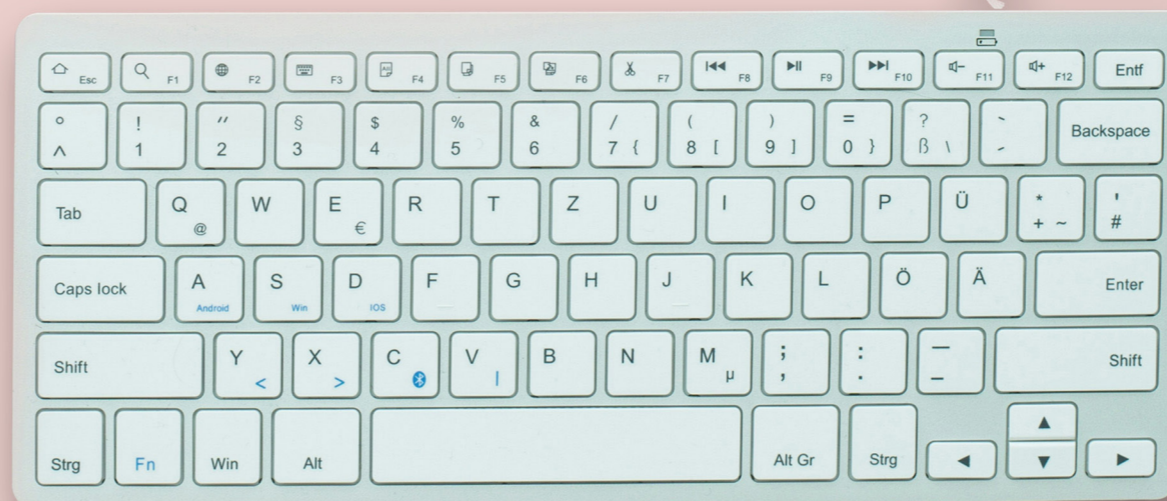
عجله، همیشه عجله....

کجا میخواستیم بروم؟

من به بهانه رسیدن به زندگی، همیشه زندگی را کشته ام.... ..

در تکاپوی زندگی، ساعتی از قطار عجله پیاده شدیم و هر کداممان چند خطی برایتان قلم زدیم و  
این خودِ خود رسیدن به زندگی بود، این بار زندگی را نکشیم؛  
شما نیز چند دقیقه مهمان، از جان نوشته های ما شوید و انگیزه مضاعفی برای ادامه دادنمان  
باشید.

فاطمه قربانی زاده پاییز ۱۴۰۳



## سخن مدیر مسئول



الحمد لله الرب العالمین

بعضی مواقع خیلی دلم می خواهد از ته دل این قسمت از سوره حمد را بخوانم..

خدا رو شکر، پروردگاری که حواسش به همه چیز و همه کس هست، خدایی که ما را آفرید  
و به هر کدام از ما وظیفه ای داد، وظیفه هایی از جنس خودمان؛ از جنس خوبی هایمان از جنس  
صفاتمان...

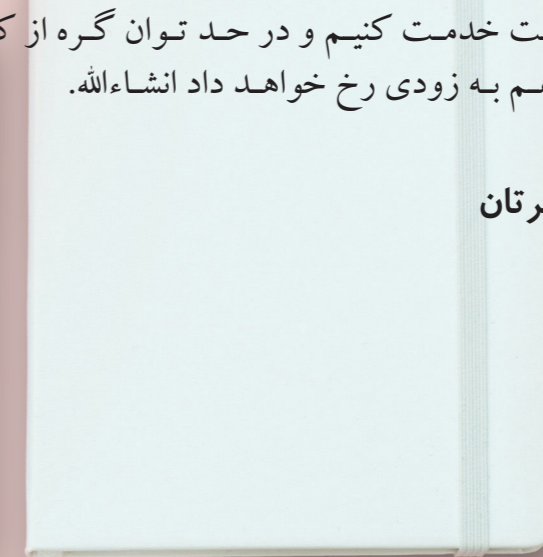
شکر که ما را نزد ملتی خلق کرد که در عالم نمونه ندارند، بسیار پر محبت و پای کار هستند،  
بسیار فداکار و از خود گذشته، از همه چیز می گذرند برای اهدافشان؛ یک زمانی در قالب جنگ از  
فرزندانشان، همسرشان و خانوادشان گذشتند یک زمانی هم از سرمایه و توانشان برای کشورشان. اینها  
برای نسل های بعد از این جامعه درس هست تا بدانند این مردم خط قرمز ندارند بلکه خط های  
قرمز را پشت سر می گذارند و خالق صحنه های عجیبی خواهند بود...

صحنه های ماندگاری را در سالی که گذشت رقم زدند و حقیقتاً همانطور که شهید سلیمانی  
فرمود «جان ناقابل ما فدای ملت ایران....»

انشاءالله بتوانیم به این ملت خدمت کنیم و در حد توان گره از کارشان باز کنیم. پیروزی حتمی  
با این مردم هست و این اهم به زودی رخ خواهد داد انشاءالله.

با افتخار از نگاه های پر مهرتان

امیررضا الهی بهار ۱۴۰۳





رهبری فرمودند: «مگر نمی گویی دعوتش کردیم؟» بعد از این جمله من خشکم زد. البته ایشان فرمودند: «حتما دستگیرش کنید.» و ما هم در یک عملیات سخت دیگر دستگیرش کردیم. مرام شیعه این است که کسی را که دعوت می کنی و مهمان توست حتی اگر قاتل پدرت هم باشد حق نداری او را آزار بدهی.»

ما یکی از اشرار بزرگ سیستان و بلوچستان را که سالها به دنبال او بودیم و هم در مسئله قاچاق مواد مخدر خیلی فعالیت می کرد و هم تعداد زیادی از بچه های ما را شهید کرده بود، با روش های پیچیده اطلاعاتی برای مذاکره دعوت کردیم به منطقه خاصی و پس از ورود آن ها به آنجا او را دستگیر کردیم و به زندان انداختیم. خیلی خوشحال بودیم. او کسی بود که حکمش مثلا پنجاه بار اعدام بود.

در جلسه ای که خدمت مقام معظم رهبری رسیده بودیم، من این مسئله را مطرح کردم و خبر دستگیری و شرح مواقع را به ایشان گفتم و منتظر عکس العمل مثبت و خوشحالی ایشان بودم. رهبری بلافاصله فرمودند: همین الان زنگ بزن آزادش کنند!

من بدون چون و چرا زنگ زدم، اما بلافاصله با تعجب بسیار پرسیدم که: آقا چرا؟ من اصلا متوجه نمی شوم که چرا باید این کار را می کردم؟ چرا دستور دادید آزادش کنیم؟

# آغاز نصر الله

نگار کریمی - حقوق ۱۴۰۱

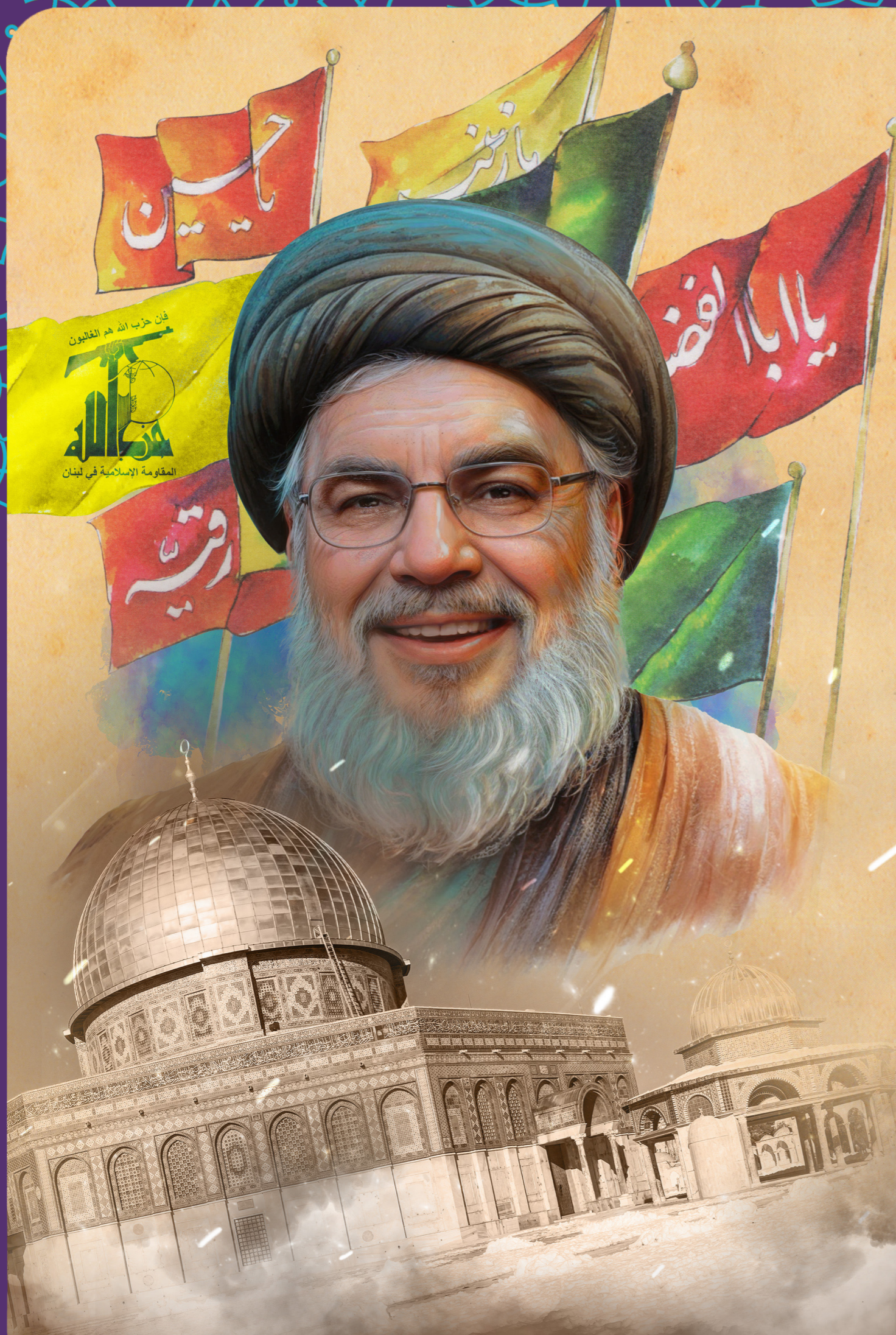
شد که با جان و دل از خاک لبنان و آرمان فلسطین دفاع کردند.

یکی از درخشانترین صفحات این تاریخ پرافتخار، جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بود. در روزهایی که دشمن تصور می‌کرد می‌تواند با نیروی خود حزب‌الله و لبنان را در هم بشکند، سید حسن نصرالله و رزمندگانش همچون کوهی استوار در برابر هجوم بی‌امان دشمن ایستادند. سخنان او در آن دوران به منبعی از امید و انگیزه برای مقاومت تبدیل شد. با شعار «پیروزی خون بر شمشیر»، او توانست نیرویی شگرف از درون دل‌های مؤمن مردم لبنان و جهان اسلام بیرون بکشد؛ پیروزی‌ای که نه فقط یک پیروزی نظامی، بلکه پیروزی اراده و ایمان بود.

اما این رهبر بزرگ نیز همچون تمام مجاهدان راه حق، در مسیری پر از خطر و ایشار قدم گذاشت. او همیشه آماده بود تا جان خود را برای آزادی سرزمین‌های اسلامی فدا کند. خبر شهادت سید، گرچه قلب‌ها را پیر از اندوه کرد، اما همچنان این پیام را به جهانیان رساند که راه مقاومت با خون شهیدان آبیاری می‌شود و هرگز متوقف نخواهد شد. شهادت او همچون شمعی فروزان، راهنما و الهام‌بخش مبارزان در ادامه این مسیر پرافتخار خواهد بود.

سید حسن نصرالله، فرزند شجاع سرزمین‌های مقاومت، در سال ۱۹۶۰ میلادی در جنوب لبنان چشم به جهان گشود؛ جایی که تاریخ آن با درد و رنج اشغالگری پیوند خورده بود. او از همان دوران کودکی، عشق به عدالت و مبارزه با ظلم را در قلب خود پروراند. تحصیلات دینی‌اش را در حوزه‌های علمیه نجف و قم پی گرفت و در محضر عالمان بزرگی همچون امام خمینی (ره) به بالندگی رسید. این جوان جویای حقیقت به سرعت جای خود را در میان مردمی که به دنبال نجات از سلطه استکبار و ظلم بودند، باز کرد و به یکی از ستون‌های اصلی مقاومت در برابر دشمنان اسلام تبدیل شد.

در دهه ۱۹۸۰ میلادی، هنگامی که تجاوزگران اسرائیلی بار دیگر خاک مقدس لبنان را به خون کشیدند، جوانان مبارز و مجاهد گردهم آمدند تا جنبش حزب‌الله را پایه‌گذاری کنند. سید حسن نصرالله در صف مقدم این مجاهدان قرار گرفت و در سال ۱۹۹۲، پس از شهادت سید عباس موسوی، فرماندهی این نیروی پرافتخار را به دست گرفت. تحت رهبری او، حزب‌الله نه تنها به یک گروه مقاومت نظامی، بلکه به نماد غرور و عزت مردم لبنان و تمامی آزادی‌خواهان جهان تبدیل شد. نصرالله با کلام پر قدرت و قلبی مملو از عشق به مردم و میهن، الهام‌بخش هزاران مبارز



# معجزه حضور بانوان در مسابقات جهانی

فاطمه قربانی زاده - دندان پزشکی ۱۴۰۱

و به چه چیزی افتخار می کند؟ اینها و خیلی بیشتر سوالاتی هست که هر فردی رو در مواجهه با این قضیه درگیر می کند...))

رسانه ها نه تنها در خدمت قدرت هستند، بلکه منشا قدرت به شمار می روند. آن ها هر کسی را که در مقابل قدرتشان ببینند، مورد حمله رسانه ای

شاید لازم باشه قبل از شروع رسمی متن با هم دوستانه گپ بزنیم... ((بنظرم دیدید یا حداقل به چشمتون خورده باشه، بانوی ایرانی، متاهل، متعهد و محجبه رو که با فرزند خوردسالش روی سکوی کسب مدال مسابقات ورزشی فرضاً المپیک خوش می درخشند...

از خودتون پرسیدید که چه طور میشه همه چیز رو این بانو ایرانی مدیریت می کنه و در همه نقش هایی که در زندگی داره هم به عنوان مادر، هم همسر، هم ورزشکار یا حتی در عرصه های علمی چگونه پوشش میده؟ از خودتون پرسیدید این خانم در این سطح، چه چیزی را به دنیا نشان می دهد

قرار داده و تصویری وارونه و مخدوش از آن به جهانیان ارائه می کنند. امروزه اسلام و ایران و در این میان بانوی مسلمان ایرانی به عنوان قلب خانواده بزرگ اسلامی ایران بیش از هر زمان دیگری زیر ذره بین رسانه غربی قرار گرفته است.

علی رغم جایگاه رفیع و متعالی بانوان در اسلام، این رسانه ها در تلاشند تصویری در حصر و حقیر، بدون شخصیت و ارزش از بانوی مسلمان

ایرانی به جهانیان مخابره کنند. البته این عمل کینه توزانه غرب نشات گرفته از ترس و وحشتشان از نقش فعال و سازنده بانوان در جامعه اسلامی است. در این بین موفقیت زنان ایرانی در مسابقات جهانی تکذیب کننده این اعمال مغرضانه است. المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس با مجموع ۱ مدال طلا، ۵ مدال نقره، ۲ مدال برنز مهر تاییدی بر این ادعاست حضور بانوی محجبه ایرانی بر سکوی موفقیت و بالا بردن پرچم مقدس کشورمان در مقابل چشم صدها میلیون تماشاچی تلویزیون های دنیا باطل کننده سال ها تلاش حقیرانه معاندین در ناتوان و محدود خواندن بانوان سرزمینمان است. در این بین موفقیت های بسیار دخترانمان در مسابقات علمی جهانی را نباید فراموش کرد که نمونه ای از آن حضور حانه خرم دشتی عزیز به همراه تیم ملی کشورمان در المپیاد نجوم ۲۰۲۴ و کسب رتبه اول در جهان است.

درخشش بانوان ایرانی در عرصه های بین المللی، با وجود اینکه که جریان مسلط رسانه ای تمام تلاشش را برای دیده نشدن موفقیت زنان محجبه می کند نشانه ای از اعتلای نقش تاریخ سازی بانوان ایران اسلامی است و بزرگ ترین ضربه را به غرب زده است. چرا که سال هاست می گویند زن اگر از قیود شرعی رها نشود نمی تواند پیشرفت کند که بانوی ایرانی این را در عمل تکذیب کرده است.



# صدای پای دانشجو

سهیلا پیاب - پرستاری ۱۴۰۱ | فرزانه حسینی - پرستاری ۱۴۰۲

صدای پای دانشجو در جستجوی دانش در محوطه ی دانشگاه با ترکیب شدنش با خوش خوش برگهای طلایی و زعفرانی پاییزی امیدی بینظیر به زندگیمان می‌دهد...

دانشجو شدن مثل این است که بطور رسمی با هدفی که عاشقانه دوشش داری پیوند داده شوی، در گذران پر بیم و امید زندگی... بهترین خود باشی، در هوایی که حال دلت خوب است و نفس کشیدن در آن عین خوشبختی است...

خیلی باشکوه است که مسیر آینده‌ات را بینی و راهی که قرار است در آن قدم بگذاری برایت روشن باشد.

چون از الان به بعد، تو فقط مسئولیت تزئین کردن مسیر زندگی‌ت را بر عهده داری...

و قرار است در انتهای مسیر جشنی به پهنای موفقیت برای خود تدارک

بینی...

پایان شب سیه سپید است «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»، فردای زیبایی که تصورش را می‌گردد از راه رسیده یا بهتر است بگوییم منتظر تو ایستاده بود و این تو بودی که به آن رسیدی...

شما قرار است در حیطه ی درمان کار کنید.

قرار است التیامی باشید بر زخم انسان‌هایی که شاید فقط نیازمند مهربانی، لطف، یا حتی یک لبخند ساده ی تو باشند...

بنظرم تا عاشق نباشی نمیتوانی در التیام بخشی کاری از پیش ببری، عاشق کمک کردن باشی، عاشق خوشحال کردن و عاشق دیدن خنده‌ی بقیه...

(خداوند میفرماید: ای بنی آدم، همه موجودات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم).

روی سخنم با تو است، تو ای

دانشجو... تویی که با انبوهی از امید و ابهام وارد دانشگاه میشوی، با کلاس‌هایی که همت تو را می‌طلبند و کتاب‌هایی که دریچه‌ی پروازی در انتظار تو اند تا بتوانی بارقه‌های امید را برای نسل بعد روشن نگه داری و میدانم که با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنی؛ نگرانی، که انگیزه‌هایی تو را نسبت به خود بدبین کنند و قلب سالم تو را تیره کنند؛

اما جوان دانشجو باید هم در عرصه‌ی علم و هم در عرصه‌های دیگر خود را تقویت کند، تا بتواند صدایش را به گوش ملت برساند و مطالبه‌گری کند؛ ما قصد داریم ده‌ها سال دیگر در این کشور زندگی کنیم و...

دانشجو بودن یعنی تو انتخاب کنی بطور تخصصی به ساخت شخصیت خود پردازی، که کدام یک از ابعاد وجودیت نیاز به توجه بیشتری دارد؛ و کدام یک کمتر، و این خودش نیاز به یک خودشناسی و بازیابی درست از شخصیتی است که طی این سالها در تو شکل گرفته، دانشگاه خشت اول است،

حواسمان باشد کج نگذاریم که تا ثریا دامن گیرمان نشود...

من معتقدم که منحصر به فرد بودن اصلا اشکالی ندارد؛

در شرایطی که هم‌رنگ جماعت شدن در خیلی از مواقع رسوایی است!! سعی کنید رفتار درست را از خودتان نشان دهید، هرچند بهای آن تنها ایستادن و تنها ماندن باشد...

و فرصت‌های محدود و لحظات گذرا را غنیمت شمیرید، زیرا کسی از پایان کار آگاه نیست...

امیدوارم که بهترین اتفاقات ممکن در دوران تحصیلی جدیدتان رخ دهد؛ طوری که بتوانید خوشحالی‌تان را با بقیه سهیم شوید 🌸😊

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس  
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم



سوال اصلی همه ما این است: پس بالاخره کی؟؟؟ از ساختمانی سخن می‌گویم که -تا الان- حدود ۷ نسل و ورودی از دانشجویان قواره آن را دیده‌اند. ساختمانی که مدت هاست وعده ورود دانشجویان پرستاری و بهداشت به آن داده می‌شود، اما تا امروز فقط چهره خاک گرفته و تو در توی آن، پشت ورق‌های نارنجی و آبی مثل یک آینه دق به دانشجویها زل می‌زند.

اجازه دهید در ابتدا بیشتر شما را با روزگاری که بر این ساختمان گذشته آشنا کنم. یک سفر به سال ۱۳۹۷ می‌کنیم؛ زمانی که آغاز کلنگ زنی این ساختمان را روایت می‌کند. در آن سال رقم ۵۰ میلیارد ریال به پیمانکار وقت اعتبار داده و پروژه آغاز شد. ساخت و ساز تا سال ۱۳۹۹ به صورت عادی پیش

می‌رود تا اینکه به دلیل عدم تخصیص بودجه و البته ظهور کووید، حدود یک سال پیشبرد آن متوقف می‌شود. از اواخر سال ۱۴۰۰ شرایط اندکی بهتر می‌شود و حداقل از حالت توقف کامل کار، خارج می‌شود. به این صورت که با تزریق قطره چکانی بودجه تا اینجایی که الان شاهدش هستیم ساخت و ساز ادامه پیدا می‌کند.

به زمان حال بر می‌گردیم. ساختمان ما دیگر حالا فقط یک اسکلت خالی یا چند تیکه آجر روی هم قرار گرفته نیست. درب و پنجره‌های آن نصب شده و ظاهر آن حکایت از آماده بودن می‌کند. اما هنوز هم پای هیچ دانشجو و استادی به آن باز نشده هنوز هم می‌بینیم که در

هفته حدودا ۲ یا ۳ روز کارگرانی به آن سر می‌زنند. هنوز هم ورقه‌های آبی و نارنجی مانع نزدیک شدن از سمت حیاط پردیس به آن می‌شوند. بله درست حدس زدید. فقط ظاهر آن آماده است و در باطن اما چیزی برای رو کردن ندارد. دقیق تر که پرس و جو شد متوجه شدیم که این ساختمان امروز از نظر کارهای بنایی و دیوار کشی و موارد مرتبط به این موضوع‌ها کم و کسری ندارد. سقف کاذب، برق کشی و لوله کشی، فاضلاب و سرویس بهداشتی‌ها، تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی و از این دست موارد چیز هایی است که نیاز به تکمیل شدن در این ساختمان دارد.

همه ساله دانشجو‌های پرستاری و بهداشت زیادی پا به دانشگاه علوم

پزشکی یاسوج می‌گذارند و با دیدن نمای -الحق و الانصاف جالب و زیبای- این ساختمان، شنیدن وعده و شایعات آماده شدن آن به زودی و البته دیدن کمبود فضای آموزشی کنونی، سودای تحصیل در ساختمان جدید را در سر می‌پرورانند. وقتی هم که مثل بنده به اواخر راه تحصیلیشان می‌رسند خود را با واقعیت اینکه من هم درون این ساختمان را نخواهم دید وفق می‌دهند و به دانشجویان نو ورود می‌گویند: ((شاید قسمت شما بشود)).

برگردیم به سوال اول متن: بالاخره کی؟ طبق برآوردها و نحوه تخصیص بودجه امروزه این ساختمان و پرس و جو‌ها، حداقل تا یک سال و نیم دیگر متاسفانه آماده نخواهد شد. امید است مسئولین تغییر رویه‌ای در مورد ساختمان این دانشکده‌ها دهند بلکه دانشجویان پرستاری و به خصوص بهداشت بتوانند در محیط آموزشی بهتری تحصیل کنند ان شاء الله.



برای دیدن کلیپ گزارش این ساختمان اسکن کنید



# در انتصابات دخالت نکنید!!!

امیرضا الهی - رادیولوژی ۱۴۰۰

آقای قالیباف موقعی که می‌آمدیم تو، به من گفتن که شما در یکی از سخنرانی‌ها در این سالها اشاره کردید که نمایندگان در انتصابات دخالت نکنند، یه چیزهای گفتید، بعضی از همکاران ما ناراحت شدند...

بنده ناراحتی شما رو که اصلا نمی‌خواهم و نمی‌پسندم و شما رو هم خیلی دوست دارم، مصلحت شما رو هم می‌خوام، واقعا نباید دخالت کنید...

وقتی که راجب فلان مدیر کل، فلان استاندار، فلان فرماندار، به اون وزیر مربوطه پیشنهاد می‌کنید یا احیانا خدای نکرده فشار میارید، باعث میشه اگر آن فرد مامور احیانا بد عمل کرد، آدم ندونه باید یقه کی را بگیره، نه مردم بدونن نه دستگاه قضایی بدونن، یقه اون وزیر رو باید گرفت که چرا اینو گذاشتی، یقه اون نماینده مجلس رو باید گرفت...

یکی از مسائل مهم قانون اساسی همین بحث تفکیک قواست، شما بذارید او کار خودشو بکنه، شما هم کار خودتون بکنید...

اگر ایرادی داره، ایرادشو مطرح کنید...

البته من همیشه توصیه‌ام به دولتی‌ها هم همین بوده که از نظرات نمایندگان استفاده بکنند، نماینده مال این شهره...

دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رهبر معظم انقلاب

۴ خرداد ۱۴۰۱



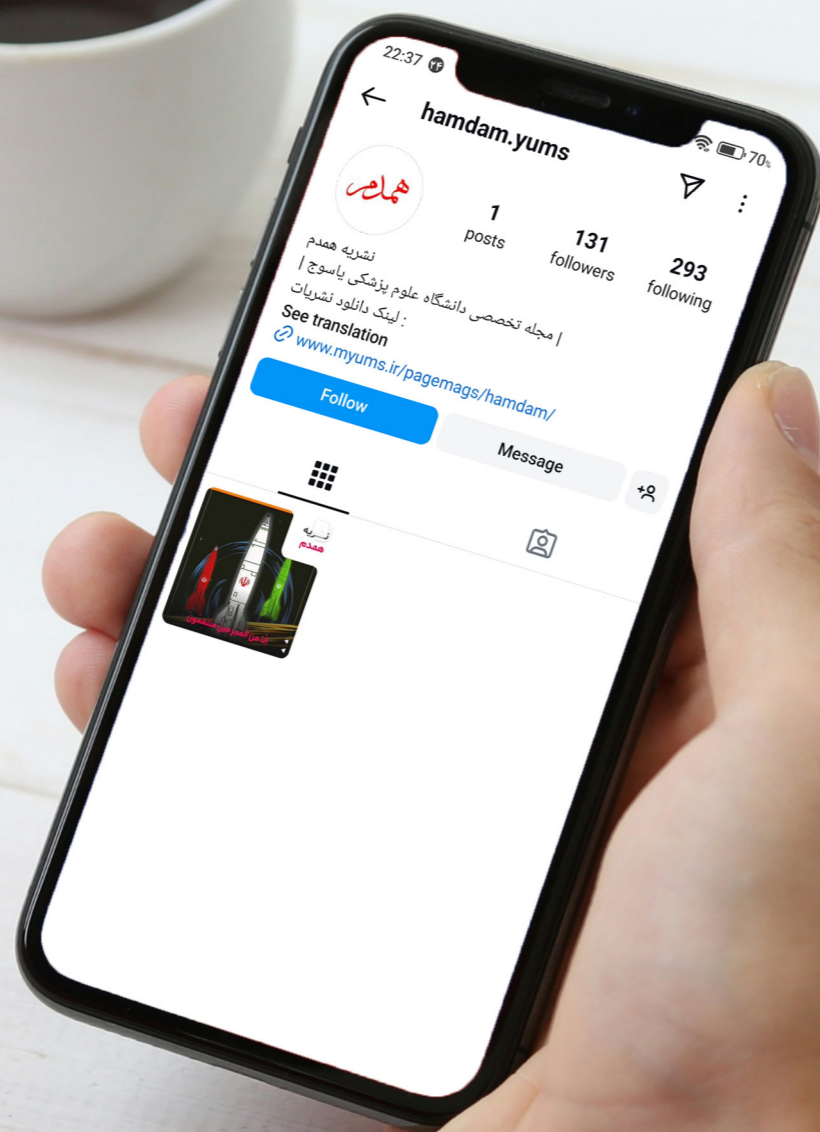
# راه های ارتباطی

راه ارتباطی با مسئول نشریه همدم جهت ارسال نظرات، پیشنهادات، انتقادات و البته ابراز علاقه به همکاری در نشریه جهت پیشبرد بهتر اهداف نشریه:

۰۹۳۵۴۷۰۸۷۲۰

امیررضا الهی - مدیر مسئول نشریه

@hamdam.yums



# مسابقه!!!

سیتا شهبازی - پرستاری ۱۴۰۲

رفقا سلام....

حالتون چه طوره؟

از اینکه نشریه رو تا پایان خوندید مچکریم 🍀🍀

یه چالش داریم براتون که توش **جایزه** هم هست...

میخواهیم که نویسنده بعدی شما باشید...

به نظرتون جای چه موضوعی خالیه؟

چه صحبتی دارید که اگر بشه بنویسیم کار رو جذاب تر می کنه...؟

خیلی خوشحال میشیم که اسم شما هم یه روز تو صفحات نشریه نوشته بشه...

حالا اگر موضوعی دارید که حس میکنید جاش خالیه به شماره زیر ارسال

کنید و به قید قرعه جایزه دریافت کنید.

۰۹۱۷۰۲۱۷۳۲۳ خانم شهبازی

